

دوفصلنامه علمی حدیث پژوهی

سال ۱۵، پاییز و زمستان ۱۴۰۲، شماره ۳۰

مقاله علمی پژوهشی

صفحات: ۳۲۷-۳۵۰

فضایل و مناقب حضرت زهرا علیها السلام

ناصر رفیعی محمدی*

چکیده

صدیقۀ طاهره حضرت زهرا علیها السلام یگانه یادگار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و آیینۀ تمام‌نمای شخصیت آن بزرگوار است؛ شخصیتی که مدح او در آیات قرآن، سخنان رسول خدا صلی الله علیه و آله و کلمات ائمه معصومین علیهم السلام متجلی است، کاوش در منابع و مصادر تفسیری، حدیثی و تاریخی فریقین منشوری از این کمالات را در برابر دیدگان ما قرار می‌دهد تا بیشتر به عظمت و جایگاهش پی ببریم. مسئله اساسی این پژوهش واکاوی گزارش‌های تفسیری و حدیثی، و استخراج مهم‌ترین فضایل مشترک آن حضرت با سایر معصومین علیهم السلام و فضایل انحصاری و اختصاصی ایشان است. در این پژوهش تلاش شده با مراجعه به کهن‌ترین منابع شیعه و سنی و با تکیه به روش توصیفی و تحلیلی منابع اصلی مورد بررسی قرار گرفته و بخشی از ویژگی‌های آن بانوی بزرگوار فهرست شود. مهم‌ترین نتایج استخراج‌شده دستیابی به فضایل مشترک آن حضرت در قرآن مانند آیه تطهیر، مباحله، مودت و اطعام است که هر کدام دلالت بر منقبتی عظیم دارد. دیگر نتیجه این پژوهش معرفی فضایل اختصاصی ایشان مانند پاره تن پیامبر صلی الله علیه و آله، ام ابیهای رسول خدا صلی الله علیه و آله کفو و رکن علی علیه السلام بودن و مظهر خیر کثیر است.

کلیدواژه‌ها: فضایل، مناقب، فاطمه زهرا علیها السلام

* دانشیار، مجتمع آموزش عالی تاریخ، سیره و تمدن اسلامی، جامعه المصطفی صلی الله علیه و آله العالمیه، قم، ایران/
naser_rafiemohamadi@miu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۲۸

۱. مقدمه

حضرت زهرا علیها السلام منشوری از فضایل و کمالات بی‌شمار انسانی است که قالب الفاظ گنجایش ترسیم آن را ندارد؛ منشوری که هر زاویه‌اش دلالت بر بخشی از عظمت روحی آن حضرت دارد؛ شخصیتی که پیامبر اعظم او را ستوده و نمونه آرمانی همه جوامع انسانی معرفی کرده است. در این نوشتار، ابتدا به شمارش فهرست‌وار بخشی از این فضایل پرداخته می‌شود.

۲. فضایل مشترک با پنج تن

۱. مصداق آیه تطهیر؛ ۲. مصداق آیه مباحله و مشارکت در مباحله؛ ۳. مورد سفارش در آیه مودت؛ ۴. از مصداق شجره طیبه؛ ۵. از مصداق کلمات در آیه «فَلْتَلَقِ آدَمَ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ»؛ ۶. از مصداق ذوی القربی؛ ۷. مصداق آیه اطعام در سوره «هل ائی»؛ ۸. از مصداق آیه ایثار؛ ۹. عصمت؛ ۱۰. طلایه‌دار شفاعت؛ ۱۱. محدثه؛ ۱۲. دارای ولایت تکوینی و اعجاز؛ ۱۳. عالم به غیب؛ ۱۴. سبب آفرینش عالم هستی؛ ۱۵. نورانیت؛ ۱۶. تقدم در ورود به بهشت؛ ۱۷. لزوم اطاعت؛ ۱۸. کشتی نجات؛ ۱۹. روشنی‌بخش محشر؛ ۲۰. طینت بهستی.

۳. فضایل اختصاصی

۱. پاره تن پیامبر؛ ۲. ام ابیها؛ ۳. سرور زنان عالم؛ ۴. الگوی امامان؛ ۵. معیار رضایت و خشم خدا؛ ۶. تنها کفو علی علیه السلام؛ ۷. حوریه‌ای در صورت انسان؛ ۸. باطن شب قدر؛ ۹. محبوب‌ترین نزد پیامبر؛ ۱۰. بتول و بریده؛ ۱۱. شهیده ولایت (اولین فدایی)؛ ۱۲. رکن علی بن ابیطالب علیه السلام؛ ۱۳. مظهر خیر کثیر.

۴. پیشینه تحقیق

آثار فراوانی توسط دانشمندان شیعه و سنی در قالب مجموعه‌های روایی در زمینه فضایل و مناقب حضرت زهرا علیها السلام نگاشته شده است؛ برخی از این آثار عبارت‌اند از:

۱. مسند فاطمة الزهراء علیها السلام: اثر جلال‌الدین سیوطی؛
۲. الثغور الباسمة فی فضائل السيدة الفاطمة: اثر جلال‌الدین سیوطی؛
۳. مسند فاطمة الزهراء علیها السلام: اثر عزیزالله عطاری؛
۴. مناقب فاطمة الزهراء علیها السلام و ولدها: اثر محمد بن جریر طبری امامی؛

۵. مناقب فاطمة الزهراء علیها السلام: اثر محمد بن عبدالله نیشابوری؛
۶. الخصائص الفاطمية: اثر محمد باقر الکجوری؛
۷. فاطمة بنت النبی سیرتها، فضائلها: اثر مسندها ابراهیم بن عبدالله؛
۸. اعلموا انی فاطمة: اثر عبدالحمید مهاجر؛
۹. فاطمة الزهرا من المهدي الى اللحد: اثر سید محمد کاظم قزوینی؛
۱۰. کتابنامه حضرت زهرا علیها السلام: اثر محمد علی انصاری.

۵. اوصاف و فضایل مشترک

فضایلی که بین حضرت زهرا علیها السلام و سایر پیشوایان معصوم علیهم السلام مشترک است، عبارت‌اند از:

۵-۱. آیه تطهیر

براساس روایات صحیح و قابل اعتماد، آیه تطهیر (احزاب: ۳۳) در اواخر عمر رسول خدا صلی الله علیه و آله در خانه ام سلمه و در شأن پنج تن فرود آمد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بعد از نزول آیه، علی علیه السلام، حضرت زهرا علیها السلام و حسنین علیهم السلام را گرد خود جمع نمود، عبا بر سرشان قرار داد و فرمود: «اللهم هؤلاء اهل بیتی.»

ایشان در پاسخ ام سلمه که عرض کرد آیا من هم با آنانم؟ فرمود: «تو در جایگاه خود هستی؛ تو برتری» (ترمذی، بی تا: ج ۵، ۳۲۷؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق: ج ۵، ۳۷۷؛ کلینی، ۱۳۸۸ق: ج ۱، ۲۸۶؛ طوسی، بی تا: ۳۶۸؛ حاکم نیشابوری، ۱۴۰۶ق: ج ۲، ۴۱۶).

فیض کاشانی می‌گوید: «روایات مربوط به نزول آیه تطهیر در شأن پنج تن از طریق اهل سنت و شیعه بیش از آن است که شمرده شود» (فیض کاشانی، ۱۴۰۰ق: ج ۴، ۱۸۹).

سید هاشم بحرانی هشتاد حدیث در زمینه اختصاص آیه تطهیر به اهل کساء نقل می‌نماید (حسینی بحرانی، بی تا: ج ۳، ۱۷۳). علامه طباطبایی نیز روایات وارده در این باره را بیش از هفتاد حدیث دانسته است که به چهل طریق می‌رسد.

جماعت زیادی از دانشمندان فریقین نزول آیه تطهیر را در شأن اصحاب کساء نقل نموده‌اند (ر.ک: موحد ابطحی، ۱۴۰۴ق؛ اشراقی و لنکرانی، ۱۳۹۱ش؛ مرتضی عاملی، ۱۴۱۳ق؛ موسوی کرمانی، ۱۳۹۱ق؛ فاضلی، بی تا: ۱۶۲).

روایات تسلیم نیز این سبب نزول را تأیید می‌کند. براساس این روایات، پیامبر

اعظم ﷺ مدت‌ها (بین ۴۰ روز تا ۹ ماه به حسب اختلاف نقل) به در خانه حضرت زهراء علیها السلام می‌آمد و پس از سلام می‌فرمود: «الصلاة یا اهل البیت.» آنگاه به قرائت آیه تطهیر می‌پرداخت (سیوطی، ۱۴۰۴ق: ج ۵، ۳۷۷؛ قندوزی حنفی، ۱۴۱۶ق: ج ۱، ۱۳۶، باب ۳۳؛ طبرسی، ۱۴۰۶ق: ج ۷، ۵۹؛ طوسی، بی‌تا: ۲۵۱؛ ترمذی، بی‌تا: ج ۵، ۳۵۲؛ برای تحقیق بیشتر، ر.ک: محمدی ری شهری، ۱۳۷۹ش: باب «تحقیق حول روایات التسلیم»، (۷۰).

۲-۵. آیه مباهله

مباهله از «بهل» به معنای لعنت و نفرین است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق: ج ۱، ۱۹۸، ماده «بهل»). ذیل این آیه، روایات متعددی از فریقین رسیده؛ مبنی بر اینکه وقتی مسیحیان نجران و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قرار مباهله گذاشتند، رسول خدا صلی الله علیه و آله امام علی علیه السلام، حسنین علیهما السلام و حضرت زهراء علیها السلام را همراه آورد. اطلاق کلمه «نساءنا» در آیه بر حضرت زهراء علیها السلام از افتخارات و فضایل آن حضرت است؛ زیرا هنگام مباهله بایستی بهترین و محبوب‌ترین افراد را آورد تا خدا دعا را مستجاب نماید. حتی نصاری به فضیلت همراهان پیامبر پی بردند. اسقف آنان گفت، من در سیمای آنان چنین می‌بینم که اگر از خدا بخواهند کوهی از کوه‌ها جدا شود، چنین خواهد کرد. از این رو مباهله نکردند (زمخشری، ۱۴۱۴ق: ج ۱، ۳۶۹). روایان متعددی از اهل سنت به نقل این جریان پرداخته‌اند (قشیری نیشابوری، ۱۳۷۴ق: ج ۷، ۱۲۰؛ ترمذی، بی‌تا: ج ۵، ۵۹۶؛ حاکم نیشابوری، ۱۴۰۶ق: ج ۳، ۱۵۰). در اینجا به ذکر دو نمونه می‌پردازیم.

نمونه اول: در معتبرترین کتاب‌های اهل سنت یعنی صحیحین، جریان مباهله تبیین شده است. مسلم (م ۲۶۱) در جلد هفتم صحیح، باب فضایل علی علیه السلام حدیث مستندی را از عامر بن سعد بن ابی وقاص به نقل از پدرش سعد گزارش می‌کند و در این حدیث آمده است.

معاویة بن ابی سفیان به سعد فرمان داد و گفت: چه چیزی مانع شده است که ابوتراب را ناسزا بگویی؟ سعد گفت: سه چیز را که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام گفت، به یاد می‌آورم و هرگز وی را دشنام نمی‌گویم و برای من یکی از آن سه، محبوب‌تر از شتران سرخ‌موست (قشیری نیشابوری، ۱۳۷۴ق: ج ۷، ۱۲۰).

در این حدیث سعد به روایت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در فضیلت امام علی علیه السلام در جریان جنگ تبوک، جنگ خیبر و مباحله اشاره می‌کند. او درباره آیه مباحله چنین می‌گوید: «ولما نزلت هذه الآية "فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ" دعا رسول الله عليا و فاطمة و حسنا و حسينا فقال اللهم هولاء اهلي» (همان: ۱۲۰ و ۱۲۱).

و هنگامی که آیه «فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَكُمْ» نازل شد، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام و حسن علیه السلام و حسین علیه السلام را خواست و فرمود: «بارخدایا! اینان خانواده من اند.»

نمونه دوم: ترمذی (م ۲۷۹) در سنن خویش نیز همین حدیث را آورده است: «حدثنا قتيبة اخبرنا حاتم بن اسماعيل عن بكر بن مسمار عن عامر بن سعد عن ابيه قال لما نزلت هذه الآية "فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ" دعا رسول الله عليا و فاطمة و حسنا و حسينا فقال اللهم هولاء اهلي» (ترمذی، بی تا: ج ۴، ۲۹۳، ح ۴۰۸۵).

ترمذی در توصیف این حدیث شریف، آن را ستوده، می‌نویسد: «هذا حدیث حسن غریب صحیح» (همان جا).

حاکم نیشابوری (م ۴۰۵) در کتاب *معرفة علوم الحديث*، فضیلت حضور اهل بیت علیهم السلام در مباحله را متواتر دانسته است: «قد تواترت الاخبار في التفاسير عن عبدالله بن عباس و غيره ان رسول الله صلی الله علیه و آله اخذ يوم المباحلة بيد علي و حسن و حسين و جعلوا فاطمة و راءهم ثم قال هولاء ابناونا و انفسنا و نسونا فهلما انفسكم و ابناكم و نساءكم ثم نبتهل فنجعل لعنة الله على الكاذبين» (حاکم نیشابوری، ۱۴۲۴ق: ۵۰).

جالب اینجاست که حتی شخصیت متعصبی مانند ابن تیمیه هم اعتراف کرده که غیر از پنج نفر گفته شده، کسی دیگر در این جریان نبود (ابن تیمیه، ۱۳۲۲ق: ج ۷، ۱۲۲-۱۳۰). بنابراین، فضیلت یادشده در کتاب‌های معتبر اهل سنت تردیدبردار نیست.

۳-۵. آیه مودت

رسول خدا صلی الله علیه و آله اجر رسالت خویش و تلاش ۲۳ ساله‌اش را در راه گسترش توحید و خداپرستی، محبت نزدیکان اعلام می‌کند. در اینجا این سؤال مطرح می‌شود که قربی چه کسانی هستند که رسول خدا صلی الله علیه و آله مزد رسالت خود را دوستی و محبت آنان اعلام نموده است؟ بسیاری از دانشمندان شیعه و سنی طبق روایات متعدد رسیده از پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله مراد از قربی را علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام و دو فرزندش دانسته‌اند (طبری، ۱۴۱۵ق: ۲۵؛

۳۲۲ □ دو فصلنامه حدیث پژوهی، سال پانزدهم، شماره سی‌ام، پاییز و زمستان ۱۴۰۲، ص ۳۲۷-۳۵۰

طبرانی، ۴۰۴ق: ج ۱۱، ۳۵۱؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۹۹۸: ۳۹۸؛ الهیثمی، ۱۳۸۵ش: ۱۷؛ حاکم نیشابوری، ۴۰۶ق: ج ۲، ۴۴۴؛ ابن حنبل، ۴۱۱ق: ج ۱، ۱۹۹؛ حاکم حسکانی، ۴۱۱ق: ج ۲، ۱۹۱؛ سیوطی، ۴۰۴ق: ج ۶، ۷.

علامه مجلسی ۳۲ روایت در این موضوع آورده است، امامان و پیشوایان معصوم علیهم‌السلام در مواردی به این آیه استناد نموده‌اند. امام حسن علیه‌السلام بعد از شهادت پدر بزرگوارش ضمن خطبه‌ای فرمود: «من از اهل بیتی هستم که خداوند دوستی و مودت آن‌ها را بر هر مسلمان واجب نموده است» (حاکم نیشابوری، ۴۰۶ق: ج ۳، ۱۷۲؛ قندوزی حنفی، ۴۱۶ق: ج ۲، ۲۱۳؛ طبرسی، ۴۰۶ق: ج ۹، ۱۰ و ۴۲؛ فیض کاشانی، ۴۰۰ق: ج ۴، ۳۷۴). قابل ذکر است روایات رسیده در این خصوص تعابیر مختلفی دارد که قابل جمع است. تعابیری مانند علی علیه‌السلام و فاطمه علیه‌السلام و ابناهما علیهم‌السلام، فاطمه علیه‌السلام و ولدها علیه‌السلام، علی علیه‌السلام و فاطمه علیه‌السلام و ولدهما علیهم‌السلام.

در منابع شیعی، روایاتی آمده که مصداق آیه مودت را اهل بیت یا ائمه معرفی کرده است. از امام باقر علیه‌السلام روایت شده که در مورد تفسیر قربی فرمودند: «یعنی فی اهل بینه» (حسینی بحرانی، بی تا: ج ۷، ۸۴).

در روایت دیگری از ایشان آمده که فرمودند: «هم الائمة» (کلینی، ۳۸۸ق: ج ۱، ۴۱۳؛ عروسی حویزی، ۴۱۲ق: ج ۴، ۵۷۳؛ مجلسی، ۴۱۵ق: ج ۲۳، ۲۵۱). مصداق اتم این آیه، حضرت علی علیه‌السلام، فاطمه علیه‌السلام و حسنین علیهم‌السلام هستند. همچنین سایر پیشوایان معصوم علیهم‌السلام نیز به حکم عصمت و انتساب به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از مصداق قربی محسوب می‌شوند.

۴-۵. آیه اطعام (بخشی از سوره هل اتی)

بخش قابل توجهی از تفاسیر فریقین، ذیل این آیه و سوره «هل اتی» روایت نموده‌اند که آیات «إِنَّ الْأَبْرَارَ... كَانَتْ سَعْيَكُمْ مَشْكُورًا» (انسان: ۲۲-۵) در شأن امام علی علیه‌السلام حضرت زهرا علیه‌السلام و حسنین علیهم‌السلام و فضه نازل شده است.

ابن عباس می‌گوید: «حسنین علیهم‌السلام بیمار شدند. رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با عده‌ای از مردم به عیادت آنان آمد. برخی افراد پیشنهاد کردند یا ابالحسن خوب است برای شفای فرزندان نذری نمایی. آنان نذر کردند، اگر حسنین علیهم‌السلام شفا یافتند، سه روز روزه بگیرند.

پس از آنکه حسنین علیهم السلام شفا یافتند، اهل خانه روزه گرفتند و این درحالی بود که در خانه چیزی برای افطار نبود. امام علی علیه السلام سه صاع گندم قرض نمود. حضرت زهرا علیها السلام یک صاع را آرد نمود: نان پخت، هنگام افطار مسکینی در زد و درخواست کمک نمود. این خاندان همگی نان افطار خود را ایثار نمودند. فضا نیز تبعیت نمود. آن شب با آب افطار نمودند. روز دوم و سوم نیز این جریان در مورد یتیم و اسیر تکرار شد.

صبح روز چهارم هنگامی که علی علیه السلام و حسنین علیهم السلام نزد رسول خدا آمدند، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با دیدن چهره ضعیف آنان گریان شد. در این هنگام جبرئیل نازل شد و سوره هل ائی را قرائت نمود» (زمخشری، ۱۴۱۴ق: ج ۴، ۱۶۹؛ فخر رازی، ۱۴۱۳ق: ج ۸، ۲۷۶؛ ابن جزری، ۱۴۱۵ق: ج ۵، ۵۳۰؛ صدوق، ۱۴۱۷ق: ۳۳۲).

آلوسی درباره اینکه چرا در این سوره به رغم ذکر هجده نعمت بهشتی از حورالعین ذکری نیامده است، می نویسد: «رعاية لحرمة البتول و قره عین الرسول» (آلوسی، ۱۴۰۵ق: ج ۲۹، ۱۵۸)؛ به دلیل رعایت حرمت بتول و نور چشم حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله قابل توجه است برخی روایات، بیانگر آن است که اهل بیت علیهم السلام در یک روز سه نوبت به مسکین و یتیم و اسیر اطعام نموده اند (قمی، ۱۴۰۴ق: ج ۲، ۲۵۰). این منقبت که از مناقب مشترک اهل بیت علیهم السلام است، در منابع مختلفی از فریقین آمده است. حتی برخی کتاب مستقلی در این زمینه نوشته اند (ر.ک: العاصمی، ۱۴۱۸ق).

۵.۵ عصمت

عصمت در لغت به معنای منع و نگهداری است (ابن منظور، ۱۴۱۶ق: ج ۱۲، ۴۰۲، ماده «عصم»). در اصطلاح نیز عصمت، عصمت لطفی است که خداوند در حق مکلف انجام می دهد؛ به گونه ای که فرد در عین توانایی و اختیار به واسطه این لطف، انگیزه ای بر ترک طاعت و انجام معصیت ندارد (ر.ک: المقداد، ۱۴۰۵ق: ۳۰۱؛ علم الهدی، ۱۴۰۵ق: ج ۳، ۳۲۵).

حضرت فاطمه علیها السلام تنها زن معصوم در اسلام است که در کنار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و دوازده امام قرار گرفته است. عصمت آن حضرت ریشه در آیات قرآن، روایات و تاریخ زندگی سراسر نورانی اش دارد. آیه تطهیر یکی از دلایل این منقبت است. دلیل دیگر بر عصمت آن حضرت سخنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله (ر.ک: طبرسی، ۱۴۱۷ق: ج ۱، ۳۹۳) در محوریت

خشم و خشنودی فاطمه علیها السلام و پاره تن خود خواندن و آزار او را اذیت و آزار خدا و پیامبر دانستن است.

۶-۵. محدثه

یکی دیگر از مناقب مشترک حضرت زهرا علیها السلام تحدیث و گفت‌وگوی فرشتگان با آن حضرت است. مراد از محدثه بودن گفت‌وگو و سخن گفتن مستقیم فرشتگان با معصومین است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «ان فاطمة مكثت بعد رسول الله صلى الله عليه وسلم خمسة و سبعین یوما و كان دخلها حزن شدید علی ایبها و كان جبرئیل عليه السلام یاتیها فیحسن عزاءها علی ایبها و یطیب نفسها و یخبرها عن ایبها و مكانه» (کلینی، ۱۳۸۸ق: ج ۱، ۳۵۶).

فاطمه علیها السلام ۷۵ روز پس از پدر زنده بود. از مرگ پدر اندوه سختی او را فراگرفت. جبرئیل حضورش رسید و او را در مرگ پدر نیکو تسلیت می‌گفت و او را خشنود می‌ساخت و از احوال پدر و مقام او، فاطمه علیها السلام را آگاه می‌ساخت.

در روایت دیگری امام صادق علیه السلام فرمود: «فاطمه علیها السلام را از آن جهت محدثه خواندند که ملائکه به حضورش آمده و با وی گفت‌وگو می‌نمودند و سخن می‌گفتند؛ همان‌طور که با مریم دختر عمران سخن می‌گفتند» (مجلسی، ۱۴۱۵ق: ج ۴۳، ۷۸).

محور گفت‌وگوها در روایات، آرام نمودن حضرت در عزای پدر و تسلیت گفتن، خبردهی از سرنوشت فرزنداناش («یخبرها بما یكون بعدها فی ذریته»؛ کلینی، ۱۳۸۸ق: ج ۱: ۳۵۶) و شکل‌گیری مصحف (مجلسی، ۱۴۱۵ق: ج ۴۳، ۸۰) ذکر شده است. اغلب این گفت‌وگوها بعد از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بوده است.

۷-۵. ولایت تکوینی

«ولی» در نگاه لغت‌شناس خبیر (ابن فارس) تنها یک معنا دارد: قرب و نزدیکی. تمام مشتقات این ریشه به همین معنا بازگشت می‌کند (ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ج ۶، ۱۴۱). راغب اصفهانی «ولاء و توالی» را چنین توضیح داده است: «دو چیز یا بیشتر که پشت سرهم بوده و طوری با همدیگر متحد شوند که چیزی غیر از خودشان میانشان فاصله نیندازد» (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴ق: ۵۳۳).

بنابراین ولایت را می‌توان برداشته شدن واسطه بین دو چیز دانست؛ به‌گونه‌ای که آن دو به یکدیگر نزدیک شده و هیچ واسطه‌ای بین آن‌ها نباشد، پیروی کامل از ولی بدون

هیچ فاصله و واسطه، همان ولایت‌مداری است.

از این رو، عرب به معتق، صاحب، ابن عم، ناصر و همسایه، مولی می‌گوید؛ چراکه در تمام این عناوین، نزدیکی و عدم فاصله لحاظ گردیده است (ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ج ۶، ۱۴۱).

راغب، ولایت (به کسر واو) را یاری کردن و ولایت، و ولایت (به فتح واو) را سرپرستی دانسته و می‌گوید: «بعضی، حقیقت هر دو واژه را سرپرستی و به عهده گرفتن کار دانسته‌اند.»

در ادبیات دینی ما، ولایت یک اصطلاح گردیده و دارای جایگاه رفیع و ارزشمندی است. ولایت از یک نگاه به دو قسم «تشریحی» و «تکوینی» تقسیم می‌گردد:

ولایت تشریحی: حاکمیت و سرپرستی قانونی و الهی که گاه در مقیاس محدودی مانند ولایت پدر و جد بر طفل صغیر و گاه در مقیاس وسیع و گسترده مانند ولایت حاکم اسلامی بر تمام مسائل مربوط به «حکومت» و «اداره کشور اسلامی» است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۱ش: ج ۹، ۱۶۱).

ولایت تکوینی: آن است که بتواند به فرمان و اذن خداوند در جهان آفرینش و تکوین تصرف کند و برخلاف عادت و جریان طبیعی عالم اسباب، حوادثی را به وجود آورد؛ مانند بیمار غیرقابل‌علاجی را که به اذن خدا با نفوذ و سلطه‌ای که خداوند در اختیار او گذارده، شفا دهد (همان‌جا).

شهید مطهری از این گونه ولایت با عنوان «ولاء تصرف» یا «ولاء معنوی» یاد کرده و آن را بالاترین مرحله ولایت دانسته است و می‌نویسد: «نظریه ولایت تکوینی از یک طرف مربوط به استعدادهای نهفته در «انسان» است و حالاتی که این موجود شگفت بالقوه دارد و قابل به فعلیت رسیدن است و از طرف دیگر مربوط به رابطه این موجود با خداست» (مطهری، بی تا: ۵۶).

شواهد متعددی از قرآن، مبنی بر ولایت تکوینی اولیا و انبیا وجود دارد (ر.ک: یوسف: ۹۳؛ بقره: ۹۶؛ نمل: ۳۸؛ آل عمران: ۷۹). تأثیر و تصرف در علل و اسباب طبیعی به اذن الهی بوده و هیچ منافاتی با توحید خالص ندارد. روایات فراوانی به اثبات این مقام معنوی برای امامان معصوم پرداخته است (اربلی، ۱۴۰۱ق: ج ۲، ۳۵۴). تاریخ زندگی

۳۳۶ □ دو فصلنامه حدیث پژوهی، سال پانزدهم، شماره سی‌ام، پاییز و زمستان ۱۴۰۲، ص ۳۲۷-۳۵۰

حضرت زهراء علیها السلام نیز صحنه‌های متعددی از این قدرت و تصرف را گزارش می‌کند. سلمان می‌گوید: «آسیای دستی منزل حضرت زهراء علیها السلام را دیدم؛ بدون آنکه کسی آن را بگرداند، حرکت می‌کرد» (طبری، ۱۳۶۳ش: ۴۸).
همین روایات، از میمونه همسر پیامبر نیز نقل شده است (ر.ک: رحمانی همدانی، ۱۳۷۲ش: ۹۹).

در نقل دیگری آمده: «هنگامی که امیرالمؤمنین علیه السلام را با اکراه از منزل برای اخذ بیعت بیرون بردند. فاطمه علیها السلام همراه او بیرون آمد تا به قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله نزدیک گردید، فرمود: دست از پسرعمویم بردارید، اگر او را رها نکنید به درگاه خدا ناله می‌زنم. سلمان می‌گوید: به خدا قسم دیدم که پایه دیوارهای مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله از جا کنده شد. من خود را نزدیک فاطمه علیها السلام رساندم و عرض کردم خداوند پدرت را به رحمت برانگیخت، تو آن‌ها را گرفتار عذاب نکن» (شیخ مفید، ۱۴۱۴ق: ۱۸۶؛ قمی، ۱۴۱۱ق: ۸۷).

۸.۵. علم غیب

یکی از ویژگی‌های انبیا و پیشوایان معصوم، آگاهی از غیب است. غیب در برابر شهود بر دو بخش است: غیب مطلق و نسبی. با بررسی آیات قرآن در این زمینه می‌توان گفت علم غیب ذاتی و مطلق مخصوص خداست و در رابطه با غیرخداوند، علم غیب اعطایی، همواره با اذن الهی است. علم غیب از طریق وحی و ویژه انبیای الهی است؛ اما گونه‌های دیگر آگاهی از امور غیبی فراوان بوده و برای غیر انبیا نیز امکان دارد روایات گوناگونی در این زمینه رسیده است (ر.ک: کلینی، ۱۳۸۸ق: ج ۱، ۲۶۰، باب «أن الأئمة يعلمون علم ما كان و ما یكون»؛ مجلسی، ۱۴۱۵ق: ج ۲۶، ۱۸، باب «جهات علومهم»).

منابع روایی و تاریخی مواردی از علم غیب حضرت زهراء علیها السلام را گزارش نموده‌اند. از آن جمله سلمان گوید: «عمار برایم نقل کرد که روزی حضرت علی علیه السلام وارد منزل شد. حضرت زهراء علیها السلام گفتند نزدیک بیا تا از حوادث گذشته و آینده تا قیامت برایت بگویم...» (مجلسی، ۱۴۱۵ق: ج ۴۳، ۸).

۹.۵. فاطمه علیها السلام در قیامت

خدای متعال جایگاه ویژه‌ای به حضرت زهراء علیها السلام در قیامت بخشیده است.

الف) ورود به محشر

قیامت صحنهٔ ورد شکوهمند فاطمه علیها السلام است؛ به گونه‌ای که مقام آن حضرت برای همگان روشن می‌شود. ایشان سوار بر مرکب وارد محشر می‌شود. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «در قیامت تنها چهار نفر سوار بر مرکب می‌آیند: من بر براق، برادرم صالح بر شتر، دخترم فاطمه بر شتر من غضباء و علی علیه السلام بر شتری از بهشت» (شیخ طوسی، بی تا: ۳۵). در روایت دیگری آمده است حضرت زهرا علیها السلام در میان استقبال گستردهٔ فرشتگان و حوریان به همراهی مریم، خدیجه، حوا و آسیه به صحرای محشر می‌آید (مجلسی، ۱۴۱۵ق: ج ۴۳، ۲۲۵ و ۲۲۶). در این لحظه، به همگان ندا داده می‌شود چشم‌ها را فروبنیدید تا دختر پیامبر از صراط عبور کند (حاکم نیشابوری، ۱۴۰۶ق: ج ۳، ۱۶۶؛ متقی هندی، ۱۳۹۷ق: ش ۳۴۳۰۹).

ب) شفاعت ویژه در محشر

قیامت، صحنهٔ شفاعت کم‌نظیر دختر پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله از شیعیان و دوستداران است. رسول خدا صلی الله علیه و آله به او می‌فرماید: «ای محبوب من! آنچه می‌خواهی طلب کن تا به تو اعطا شود. شفاعت کن که شفاعت تو قبول می‌شود» (صدوق، ۱۴۱۷ق: ۱۶؛ حاکم نیشابوری، ۱۴۰۶ق: ج ۳، ۱۵۳).

در روایت مفصلی از امام باقر علیه السلام آمده است: «فاطمه علیها السلام با شکوه خاصی وارد محشر می‌شود. او کنار در بهشت قرار می‌گیرد، اما وارد نمی‌شود و می‌گوید خدایا از تو می‌خواهم مقام مرا در چنین روزی برای همه آشکار کنی. ندا می‌رسد ای دختر پیامبر به سوی اهل محشر برگرد و هر که را خواستی از دوستان شفاعت کن» (مجلسی، ۱۴۱۵ق: ج ۴۳: ۶۴).

۶. فضایل اختصاصی

فضایل اختصاصی حضرت فاطمه علیها السلام را می‌توان در موارد ذیل برشمرد:

۱-۶. کنیهٔ ام ابیها

از کنیه‌های مشهور و ویژهٔ حضرت زهرا علیها السلام که در روایات فریقین آمده (ذهبی، ۱۴۱۴ق: ج ۲، ۱۱۹؛ ابن جزری، ۱۴۱۵ق: ج ۵، ۵۲۰؛ ابن عبدالبر، ۱۴۱۵ق: ج ۴، ۱۸۹۹؛ مجلسی، ۱۴۱۵ق: ج ۴۳، ۱۹)، «ام ابیها» است. امام باقر علیه السلام فرمود: «ان فاطمة علیها السلام کانت تکنی ام»

اینها؛ همانا فاطمه علیها السلام امّ ابیها لقب گرفت» (مجلسی، ۱۴۱۵ق: ج ۴۳، ۱۶).
فرزندان آن حضرت، به کنیه «امّ ابیها» برای ایشان تصریح کرده‌اند (ر.ک: فاضلی، بی تا؛ موسوی، ۱۳۷۹ق). درباره پیدایش این کنیه تنها از گزارش کوتاه در کتاب *کشف الغمه* آگاهی داریم. نویسنده این کتاب (ابن ابی الفتح الاربلی) (م ۶۹۳) در باب «فی فضائل الفاطمة» می‌نویسد: «کان النبی صلی الله علیه و آله یعظم شأنها و یرفع مکانها و کان یکنیها "بأمّ ابیها" و یحلها من محبه ما لا یقاربها فیه احد و لا یوازیها» (اربلی، ۱۴۰۱ق: ج ۲، ۹۰).
این گزارش گرچه مرسل است، از آنجاکه کتاب *کشف الغمه* از متون کهن در این زمینه است، توجه ویژه‌ای را می‌طلبد. این عبارت نشانگر آن است که علاقه‌مندی ویژه پیامبر صلی الله علیه و آله به دخترش فاطمه علیها السلام سبب گردیده که او را به چنین کنیه‌ای مفتخر سازد (مادرپدرش).

استعمال مجازی کنیه «امّ ابیها» برای فاطمه علیها السلام نیازمند نوعی ارتباط با اوصاف آن حضرت است. شاید خانه‌داری و خدمت‌گزاری به پیامبر صلی الله علیه و آله پس از حضرت خدیجه علیها السلام او را شایسته این کنیه نموده است.

همچنین می‌توان گفت با توجه به اینکه کلمه «أم» به معنای اصل و ریشه به کار می‌رود (ر.ک: راغب اصفهانی، ۱۴۰۴ق: ۲۹، واژه «أم»؛ «یقال لكل ما کان اصل لوجه الشیء او بریته او اصلاحه او مبدئه، ام»)، شاید وجه این تعبیر در مورد حضرت زهرا علیها السلام آن است که وی اصل و ریشه شجره طیبه رسالت است و نسل پیامبر، تنها از طریق آن حضرت ادامه یافت. در روایات نیز آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «أنا شجرة و فاطمة فرعها و علی أغصانها و الحسن و الحسین ثمرها» (حاکم نیشابوری، ۱۴۰۶ق: ج ۳، ۱۷۴).

البته این تعبیر می‌تواند نشانگر نهایت علاقه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به حضرت فاطمه علیها السلام نیز باشد. هنگامی که کسی فرزند خود یا فرد دیگری را بیش از حد دوست داشته باشد، او را با کنیه «أم» یا «أب» خطاب می‌کند؛ یعنی از شدت دوستی به منزله پدر و یا مادر است (تبریزی انصاری، ۱۳۸۲: ۵۰).

۲-۶. پاره تن پیامبر صلی الله علیه و آله

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله همه فرزندانش را دوست داشت؛ اما این دوستی و محبت در مورد

حضرت زهرا علیها السلام فراتر از حد طبیعی بود. محبتی که تنها رنگ عاطفی نداشت بلکه در حد شیفتگی بود و پیام خاصی داشت. این محبت در حدی بود که موجب اعجاب و اعتراض برخی همسران پیامبر گردید. تعابیر «مضغة منی، شعر منی، شجرة منی، روحی التي بین جنبی، بهجة قلبی و بضعة منی»، در منابع فریقین آمده است (ر.ک: نورالله شوشتری، بی تا، ج ۱۰: ۱۷۸ به بعد).

۳-۶. محبوب‌ترین نزد پیامبر صلی الله علیه و آله

حضرت زهرا علیها السلام نزد پدر قرب و منزلتی ویژه داشت. منزلتی که فراتر از دوستی عادی یک پدر به فرزند است. فاطمه علیها السلام محبوب‌ترین شخص نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله بود. اسامه بن زید از پدرش نقل می‌کند: برخی اصحاب پیامبر در مورد محبوب‌ترین شخص نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله گفت‌وگو می‌کردند. آنان نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمدند و از موضوع سؤال کردند. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: فاطمه علیها السلام. پرسیدند از مردان، فرمود علی بن ابی طالب علیه السلام (همان: ۱۶۷، به نقل از: مناقب خوارزمی). از عائشه نیز سوال شد محبوب‌ترین شخص نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله که بود؟ گفت: دخترش فاطمه علیها السلام (حاکم نیشابوری، ۱۴۰۶ق: ج ۳، ۱۵۷). هنگامی که علی علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله همین سؤال را نمود حضرت فرمود: «فاطمة احب الی منک و انت اعز الی منها؛ فاطمه نزد من محبوب‌تر، و تو عزیزتری» (متقی هندی، ۱۳۹۷ق: ج ۱۳، ۹۴).

رفتار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با حضرت زهرا علیها السلام نیز شاهد بر این محبت ویژه است.

۴-۶. سروری زنان جهان

فاطمه علیها السلام برترین زن عالم هستی است و بر همه زنان تفوق و برتری دارد؛ به‌گونه‌ای که او را «سیده نساء العالمین» خوانده‌اند. این منقبت در معتبرترین منابع فریقین آمده است. روایت وارد در این زمینه دو دسته است:

الف) روایاتی که حضرت زهرا علیها السلام را به‌صورت خاص سرور زنان دو جهان معرفی می‌کند. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: یا فاطمه بشارت باد بر تو، همانا تو را به عنوان سرور زنان عالمین برگزید (حاکم نیشابوری، ۱۴۰۶ق: ج ۳، ۱۵۱).

ب) روایاتی که حضرت مریم را سرور زنان عالم در زمان خود و فاطمه علیها السلام را سرور زنان عالم و اهل بهشت از آغاز تا پایان خوانده است (صدوق، ۱۴۱۷ق: ۱۱۰؛ مجلسی،

۱۴۱۵ق: ج ۴۳، ۲۱).

فاطمه علیها السلام بر همه زنان و بر زنان ممتاز و برگزیده‌ای مانند حضرت مریم، خدیجه و آسیه برتری داشته و برتر زنان از ابتدا تا انتها خواهد بود.

البته روایتی در دست است که فرموده: «ان الله اختار من النساء اربعا، مریم و آسیه و خدیجه و فاطمه» (مجلسی، ۱۴۱۵ق: ج ۱۶، ۲؛ ج ۴۳، ۱۹؛ ج ۹۹، ۳۸۳).

پرواضح است که این گونه روایات خللی به برتری حضرت زهرا علیها السلام بر سه شخصیت بزرگوار دیگر وارد نمی‌سازد (برای آگاهی بیشتر درباره این احادیث، رک: موسوی، ۱۳۷۹ق: ج ۳، ۱۰۳).

۵.۶ بتول

یکی از اوصاف و مناقب حضرت زهرا علیها السلام، وصف بتول است از ماده «بتل» به معنای قطع، جدا شدن و بریدن (طریحی، ۱۴۰۸ق: ماده «بتل»). در علت این نام‌گذاری پاره‌ای از روایات حاکی از آن است که فاطمه را بتول خواندند زیرا هیچ‌گاه خون حیض و نفاس ندیده. این معنی در روایات متعددی آمده است (صدوق، ۱۳۶۱ش: ۶۴؛ طبری، ۱۳۶۳ش: ۵۶).

البته حیض و نفاس جزء قوانین طبیعت است و تمامی زنان طبق روال عادی و براساس نظام اسباب و مسببات این ویژگی را دارند؛ اما در جهان هستی نمونه‌های عینی گوناگونی داریم که به صورت خرق عادت پیش رفته و مسیر طبیعی را نپیموده است. این موضوع ریشه در قرآن دارد؛ مانند سرد شدن آتش بر ابراهیم علیه السلام (انبیاء: ۶۹)، زایمان همسرش (ساره) در پیروی (ذاریات: ۲۹)، فرزنددار شدن مریم علیها السلام در حال دوشیزه بودن (مریم: ۱۹).

خدای متعال حضرت زهرا علیها السلام را از هر رجس و پلیدی ظاهری و باطنی پاک نمود. حیض و نفاس گرچه ویژگی طبیعی و لازمه ساختمان بدن زن است، در ایامی خاص موجب ترک نماز و روزه می‌شود، و این نقصانی عادی محسوب می‌شود («فاما نقصان ایمانهن ففعودهن عن الصلاة و الصیام فی ایام حیضهن»؛ نهج البلاغه: خطبه ۸۰). رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند، دخترم فاطمه علیها السلام حوریه‌ای در میان انسان‌هاست و از حیض و نفاس پاک است (متقی هندی، ۱۳۹۷ق: ج ۱۳، ۹۴؛ طبری، ۱۴۱۵ق: ۲۶)؛ حتی برخی از زنان

هنگام تولد فرزندان حضرت زهرا علیها السلام از اینکه هیچ خونی مشاهده نکردند تعجب نمودند. هنگامی که موضوع را با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مطرح نمودند، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «فاطمه فرشته‌ای است که در چهره انسان آفریده شده است» (مجلسی، ۱۴۱۵ق: ج ۴۳، ۱۶).

دلایل دیگری نیز برای نامیده شدن به «بتول» برای آن حضرت گفته‌اند. با توجه به اینکه «بتل» به معنای جدا شدن و بریدن است، طبری آن را گسستن از غیر و پیوستن به عبادت الهی دانسته است (طبری، ۱۴۰۶ق: ج ۱۰، ۱۶۰).
و در نهایت، این وجه را برگزیده که: «سمیت فاطمة البتول لانقطاعها عن نساء زمانها فضلا و دینا، حسباً».

اگرچه او نیز در ادامه گفته است: «و قيل لانقطاعها عن الدنيا الى الله» (ابن اثیر، ۱۳۹۹ق: ج ۱، ۹۴).

این‌گونه گمانه‌زنی‌ها بیشتر برگرفته از تحلیل‌های لغوی واژه‌شناسان در بررسی واژه «بتل» است و معمولاً مأثور نیست. در یک جمع‌بندی می‌توان گفت: وجه مشترک این‌گونه گمانه‌زنی‌ها، «بریدن فاطمه علیها السلام از دنیا و عدم تعلق به مادیات است که سبب گشته تا آن حضرت از همه گسسته و به خدا پیوندد و این ویژگی ارزنده، او را از دیگر زنان از جهت دین، فضل و حسب ممتاز گردانیده است» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶ق: ج ۳، ۱۱۰؛ همان: ج ۱، ۹۴).

۶-۶. محور خشم و خشنودی خدا

رسول اکرم صلی الله علیه و آله در روایات متعددی که از طریق اهل سنت و شیعه نقل گردیده، ضمن پاره تن خود خواندن فاطمه علیها السلام به صورت مطلق، خشم او را خشم خدا و رضای او رضای الهی معرفی می‌کند (حاکم نیشابوری، ۱۴۰۶ق: ج ۳: ۱۵۳؛ ابن حنبل، ۱۴۱۱ق: ج ۴، ۳۲۹؛ قشیری نیشابوری، ۱۳۷۴ق: ج ۱۶، ۳؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق: ج ۴، ۲۱۰؛ ابونعیم اصفهانی، ۱۴۰۸ق: ج ۵، ۱۳۷). این منقبت علاوه بر اثبات عصمت که برخی بر آن تأکید دارند (ابن ابی‌الحدید معتزلی، ۱۹۱۱م: ج ۱۶، ۲۷۳)، مبین آبروی عظیم فاطمه علیها السلام نزد خدا و پیامبرش است. زمانی نزد امام صادق علیه السلام برخی عرض کردند، افرادی باور ندارند خدا خشم فاطمه علیها السلام به خشم آید، امام علیه السلام فرمود: «چرا باور ندارید؟ آیا شما باور ندارید که

خدا از خشم بنده مؤمن به خشم آید. فاطمه علیها السلام نیز زنی باایمان [کامل] است» (اربلی، ۱۴۰۱ق: ۲۴؛ مجلسی، ۱۴۱۵ق، ج ۴۳: ۲۱).

۷-۶. تنها همتا و کفو علی علیه السلام

یکی از مزایای ازدواج، تناسب و کفو بودن زوج است. حضرت زهرا علیها السلام با انبوه فضایل و کمالات، زنی معصوم و دارای آگاهی از غیب و ولایت تکوینی و پاره تن رسول خدا صلی الله علیه و آله کفو و همتایی جز علی علیه السلام نداشت. باینکه حضرت زهرا علیها السلام خواستگارهای متعددی داشت، رسول خدا صلی الله علیه و آله نپذیرفت و این امر را به انتخاب الهی واگذار نمود (مجلسی، ۱۴۱۵ق: ج ۴۳، ۹۲).

با آمدن علی علیه السلام به خواستگاری حضرت زهرا علیها السلام، رسول خدا صلی الله علیه و آله خشنود شد و فرمود: «ان الله امرنی ان ازوج فاطمة من علی علیه السلام: خدا به من فرمان داد فاطمه را به ازدواج علی در آورم» (هیشمی، ۱۳۸۵ش: ج ۲، ۳۶۴).

در بیان دیگری فرمود: «اگر خدای تعالی، علی علیه السلام را نیافریده بود، برای فاطمه علیها السلام هیچ همتا و نظیری از آدم تا دیگران نبود» (قندوزی حنفی، ۱۴۱۶ق: ج ۱، ۲۰۸، باب ۵۵ (نقل به معنا)).

۸-۶. مدافع ولایت

یکی از مناقب حضرت زهرا علیها السلام دفاع او از مقام امامت و ولایت علی علیه السلام است. او این افتخار را دارد که اولین و برترین مدافع است، تا آنجا که جان خود را در این راه تقدیم نمود. دفاع حضرت زهرا علیها السلام در خطبه‌های نورانی‌اش در مسجد و در جمع زنان مهاجر و انصار متجلی است. او در جمع زنان مهاجر و انصار فرمود: «چرا از ابالحسن دوری کردند؟ دوری نکردند مگر به خاطر شمشیر او و بی‌اعتنایی‌اش به مرگ و شدت غضب در راه خدا» (شیخ طوسی، بی تا: ج ۱، ۳۸۴؛ اربلی، ۱۴۰۱ق: ج ۲، ۱۴۷؛ طبری، ۱۳۶۳ش: ۴۱؛ ابن‌ابی‌الحدید معتزلی، ۱۹۱۱م: ج ۱۶، ۲۳۳).

در نقل دیگری دارد که حضرت فاطمه علیها السلام چهل شب متوالی در خانه مهاجر و انصار رفت و آنان را به دفاع از ولایت امام علی علیه السلام دعوت نمود. وصیت حضرت مبنی بر دفن شبانه و شرکت نکردن غاصبان خلافت در تشییع و نماز، گواه دیگری بر این دفاع شجاعانه است.

۷. نتیجه

آنچه ذکر شد، شمارشی فهرست‌وار و مستند از فضایل و مناقب حضرت زهراء عليها السلام بود. این گزارش براساس داده‌های روایی و نقلی است. شخصیت و جودی و ملکوتی صدیقه طاهره برتر از آن است که به رشته تحریر یا گفتار درآید. در آسمان معرفت آن بانوی بزرگوار، برترین اندیشه‌های بشری سرگردان و ناتوان‌اند. عناوینی که در این نوشتار اشاره شد، هرکدام می‌تواند عنوان کتاب یا مقاله‌ای مستقل باشد.

پی‌نوشت‌ها

۱. «أَمَّا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» (احزاب: ۳۳).
۲. «فَمَنْ حَاجَكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ» (آل عمران: ۶۱).
۳. «... قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى...» (شوری: ۲۳).

منابع

- آلوسی، ابوالفضل محمود. (۱۴۰۵ق). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم. الطبعة الرابعة. بیروت: دار احیاء التراث.
- ابن‌الثیر، مجدالدین. (۱۳۹۹ق). النهایة فی غریب الحدیث والأثر. بیروت: المكتبة العلمية.
- ابن‌بابویه القمی، محمد بن علی (المعروف بالشیخ الصدوق). (۱۳۶۱ش). معانی الأخبار. الطبعة الأولى. قم: مؤسسة النشر الاسلامی.
- _____. (۱۴۱۷ق). الأمالی. الطبعة الأولى. قم: دارالثقافة.
- ابن‌تیمیة، احمد بن عبدالحلیم. (۳۲۲ق). منهج السنة. مصر: بی‌نا.
- ابن‌شهر آشوب. (۳۷۶ق). مناقب آل ابی طالب عليهم السلام. النجف الأشرف: الطبعة الحیدریة.
- ابن‌منظور، ابوالفضل محمد بن مکرم. (۴۱۶ق). لسان العرب. الطبعة الأولى. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- ابونعیم اصفهانی، احمد بن عبدالله. (۱۴۰۸ق). معرفة الصحابة. مدينة: مكتبة الدار.
- احمد بن فارس، ابوالحسین. (۱۴۰۴ق). معجم مقاییس اللغة. قم: مركز النشر التابع لمكتب الاعلام الاسلامی.
- الاربلی، علی بن عیسی. (۱۴۰۱ق). الكشف الغمة فی معرفة الائمة. بیروت: دارالكتاب.
- اشراقی، شهاب‌الدین، و لنکرانی، محمدفاضل. (۱۳۹۱ش). أهل البيت فی آية التطهير. قم: چاپخانه مهر.

٣٤٤ □ دو فصلنامه حديث پژوهی، سال پانزدهم، شماره سی ام، پاییز و زمستان ۱۴۰۲، ص ۳۲۷-۳۵۰

تبریزی انصاری، محمد علی بن محمد. (۱۳۸۲ش). *اللعة البيضاء فی شرح خطبة الزهراني*، قم: دليل ما. جلال الدين السيوطي، عبدالرحمن. (۱۴۰۴ق). *الدر المشور فی التفسیر المأثور*. قم: مكتبة آية الله المرعشي. الحاكم الحسكاني. (۱۴۱۱ق). *شواهد التنزيل لقواعد التفضيل فی الآيات النازلة فی أهل البيت (م. بهبودی، محقق)*. الطبعة الأولى. طهران: وزارة الثقافة الارشادي الاسلامي.

الحاكم النيشابوري، محمد بن عبدالله. (۱۴۰۶ق). *المستدرک علی الصحیحین*. بيروت: دارالمعرفة. _____ (۱۴۲۴ق). *معرفة علوم الحديث*. بيروت: دار ابن جزم.

الحسيني البحراني، السيد هاشم. (بی تا). *البرهان فی تفسیر القرآن*. الطبعة الثانية. قم: اسماعيليان. حنبل، احمد بن محمد. (۱۴۱۱ق). *المسند*. الطبعة الأولى. بيروت: دارالفکر.

الذهبي، محمد بن احمد. (۱۴۱۴ق). *سير اعلام النبلاء*. بيروت: مؤسسة الرسالة.

الراغب الاصفهاني. حسين بن محمد. (۱۴۰۴ق). *المفردات فی غريب القرآن*. الطبعة الثانية. قم: نشر كتاب.

الرحماني الهمداني، احمد. (۱۳۷۲ش). *بهجة قلب المصطفى*. قم: نشر المرضية.

الزمخشري، محمود بن عمر. (۱۴۱۴ق). *الكشاف عن حقائق التنزيل وعبور الأقاويل فی وجوه التأويل*. الطبعة الأولى. قم: مكتب الاعلام الاسلامي.

السلمي، محمد بن عيسى بن سوره (المعروف بالترمذی). (بی تا). *سنن الترمذی*. بيروت: دار احياء التراث العربي.

الشيخاني، محمد بن محمد (المعروف بابن الجزري). (۱۴۱۵ق). *أسد الغابة فی معرفة الصحابة*. الطبعة الأولى. بيروت: دارالكتب العلمية.

الطبراني، سليمان بن احمد. (۱۴۰۴ق). *المعجم الكبير*. الطبعة الثانية. بيروت: دار إحياء التراث الهربي.

الطبرسي، ابوعلی الفضل بن الحسن. (۱۴۱۷ق). *اعلام الوری باعلام الهدی*. الطبعة الأولى. قم: مؤسسة آل البيت لاحياء التراث.

_____ (۱۴۰۶ق). *مجمع البيان فی تفسیر القرآن*. بيروت: دارالمعرفة.

الطبري، ابوالباس احمد بن عبدالله. (۱۴۱۵ق). *ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربى*. الطبعة الأولى. جدة: مكتبة الصحابة.

الطبري، ابو جعفر محمد بن جرير. (۱۳۶۳ش). *دلائل الامامة*. قم: منشورات الرضى.

الطريحي، فخرالدين. (۱۴۰۸ق). *مجمع البحرين و مطلع النيرين*. تهران: مكتبة نشر الثقافة الاسلامية.

الطوسي، ابو جعفر محمد بن الحسن. (بی تا). *الأمالی*. النجف: المطبعة الحيدرية.

العاصمي، احمد بن محمد. (۱۴۱۸ق). *العسل المصفى منه تهذيب زين الفتى فی شرح سورة هل أتى*. قم: نشر مجمع احياء الثقافة الاسلامية.

العروسی الحویزی، الشيخ عبد اعلى بن جمعه. (۱۴۱۲ق). *تفسیر نور التقلین*. الطبعة الرابعة. قم: مؤسسة اسماعيليان.

عسقلاني، ابوالفضل احمد بن على بن حجر شافعى. (١٩٩٨م). مقامة فتح البارى شرح صحيح البخارى، القاهرة: دارالحديث للنشر والتوزيع.

العكبرى، ابو عبدالله محمد بن نعمان (المعروف بالشيخ المفيد). (١٤١٤ق). الاختصاص. الطبعة الرابعة. قم: مؤسسة النشر الاسلامى.

علم الهدى، سيد مرتضى. (١٤٠٥ق). رسائل الشريف المرتضى. قم: دارالقرآن كريم.

فاضلى، محمد على. (بى تا). ام ايها فى صحاح المسلمين ومسائدهم. بى جا: بى نا.

فخرالدين الرازى، محمد بن عمر. (١٤١٣ق). التفسير الكبير (مفاتيح الغيب). الطبعة الثانية. قم: مكتب الاعلام الاسلامى.

الفرهيدى، الخليل بن احمد. (١٤٠٩ق). العين. قم: دارالهجرة.

الفيض الكاشانى، محمد محسن. (١٤١٥ق). المحجة البيضاء فى تهذيب الاحياء. قم: مؤسسة النشر الاسلامى.

— . (١٤٠٠ق). الصافى فى تفسير كلام الله. بيروت: دارالمرضى للنشر.

القشيرى النيشابورى، ابوالحسن مسلم بن الحجاج. (١٣٧٤ق). صحيح مسلم (م. عبدالباقي، محقق). الطبعة الأولى. بيروت: دار احياء التراث العربى.

القمى، ابوالحسين على بن ابراهيم بن هاشم. (١٤٠٤ق). تفسير القمى. النجف الأشرف: مطبعة النجف الأشرف.

قمى، شيخ عباس. (١٤١١ق). بيت الأحرار. قم: دارالحكمة.

القندوزى الحنفى، سليمان بن ابراهيم. (١٤١٦ق). ينابيع المودة لذوى القربى. تهران: دارالأسوة.

الكلىنى الرازى، ابوجعفر محمد بن يعقوب بن اسحاق. (١٣٨٨ق). الكافى. الطبعة الثالثة. تهران: دارالكتب الاسلامية.

المالكى، يوسف بن عبدالبر. (١٤١٥ق). الاستيعاب فى معرفة الأصحاب. بيروت: دارالكتب العلمية.

المتقى الهندى، على. (١٣٩٧ق). كنز العمال فى سنن الأقوال والأفعال. بيروت: مكتبة التراث الاسلامى.

المجلسى، محمد باقر. (١٤١٥ق). بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار. الطبعة الثانية. طهران: المكتبة الاسلامية.

محمدى الرى الشهرى، محمد. (١٣٧٩ش). أهل البيت فى الكتاب والسنة. قم: دارالحديث للطباعة والنشر.

مرتضى العاملى، سيد جعفر. (١٤١٣ق). أهل البيت فى آية التطهير. الطبعة الأولى. بيروت: دارالأمير للثقافة والعلوم.

مطهرى، مرتضى. (بى تا). ولاءها و ولايتها. قم: انتشارات صدرا.

المعتزلى، ابن ابى الحديد. (١٩١١م). شرح نهج البلاغة. قم: دار إحياء الكتب العربية.

المقداد، الفاضل. (١٤٠٥ق). إرشاد الطالبين إلى نهج المسترشدين. قم: كتابخانه آيت الله مرعشى نجفى.

۳۴۶ □ دو فصلنامه حدیث پژوهی، سال پانزدهم، شماره سی ام، پاییز و زمستان ۱۴۰۲، ص ۳۲۷-۳۵۰

مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۱ش). پیام قرآن. ج ۶. تهران: دارالکتب الاسلامی.
موحد ابطحی، سید علی. (۱۴۰۴ق). آیه التطهیر فی احادیث الفریقین. قم: چاپخانه سیدالشهداء علیه السلام.
موسوی کرمانی، سید حسین. (۱۳۹۱ق). مجمع الأنوار. قم: چاپخانه علمیه.
موسوی، سید باقر. (۱۳۷۹ق). الکوثر فی احوال فاطمة بنت النبی الأعظم. قم: نشر حاذق.
نورالله شوشتری، قاضی. (بی تا). احقاق الحق. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
الهیثمی، احمد بن محمد. (۱۳۸۵ش). الصواعق المحرقة فی الراد علی أهل البدع والزندقه. قاهره: مکتبه القاهره.

References

- Abu Nu'aim Isfahani. (1987). Ma'rifah al-Sahabah. Medina: Maktabatu al-Dar. [In Arabic]
- Ahmad ibn Faris. (1983). Mu'jam Maqaiis al-Lughah. Qom: Markaz al-Nashr al-Tabi li Maktab al-Alam al-Islami. [In Arabic]
- Al-Farahidi, Kh. (1988). Al Ain Qom: Dar Hijra. [In Arabic]
- Alousi, A. M. (1984). Ruh al-Ma'ani fi Tafsir al-Quran al-Azim. Beirut: Dar Ihya al-Torath, fourth edition. [In Arabic]
- Arousi Howaizi, A. (1991). Tafsir Noor al-Saqalain. Fourth edition. Qom: Ismailian Institute. [In Arabic]
- Asami, A. (1997). Al-Asal al-Musaffa, Qom: Majma al-Ihya al-Theqafa al-Islamiyya. [In Arabic]
- Dhahabi, M. (1993). Seir A'lam an-Nubala. Beirut: Risala Foundation. [In Arabic]
- Faiz Kashani, M. M. (1994). Al-Mahajja al-Baydha. Qom: Al-Nashar al-Islami Publishing House. [In Arabic]
- (1979). Al-Safi. Beirut: Dar al-Mortaza Li al-Nashr. [In Arabic]
- Fakhr al-Din al-Razi, M. (1992). Al-Tafseer Al-Kabir (Mufatih al-Ghayb). second edition Qom: School of Islamic Studies. [In Arabic]
- Fazeli, M. (Unknown). Umm Abiha fi Sihiah al-Muslimin va Masanidehem. out of place. [In Arabic]
- Hakim al-Haskani (1990). Shavahid al-Tanzil. first edition Tehran: Ministry of Culture. [In Arabic]
- Hakim nishaburi, M. (1985). Al-Mustadrak Ala al-Sahihain. Beirut: Dar al-Marafa. [In Arabic]
- Hanbal, A. (1990). Al-Musnad first edition Beirut: Dar al-Fikr. [In Arabic]
- Heythami, A. (2016). Al-Thava'iiq al-Muhriqa. Cairo: Maktabah al-Qahirah. [In Arabic]
- Hosseini Bahrani, S. H. (Unknown). Al-Burhan fi Tafsir al-Qur'an. second edition Qom: Ismailian. [In Arabic]
- Ibn Abi al-Hadid. (1911). Sharh Nahj al-Balagha. Qom: Dar Ihya al-Kutub al-Arabiya. [In Arabic]
- Ibn Babiwayh al-Qomi, M. (known as Sheikh al-Saduq). (1982). Ma'ani al-Akhbar. first edition Qom: Al-Nashar al-Islami Publication. [In Arabic]
- (1996). Al-Amali. first edition Qom: Dar al-Thaqafah. [In Arabic]
- Ibn Manzur, A. M. (1995). Lisan al-Arab. first edition Beirut, Dar Ihya al-Torath al-

- Arabi. [In Arabic]
- Ibn Shahr Ashub (1956). *Manaqib Ale Abi Talib*. Al-Najaf Al-Ashraf: Al-Haidariya Publication. [In Arabic]
- Ibn Tymiyah (1904). *Manhaj al-Sunnah*. Egypt. [In Arabic]
- Irbeli, A. (1980). *Al-Kashf Al-Ghumma fi Marefah al-A'imah*. Beirut: Dar al-Kitab. [In Arabic]
- Ishraghi, Sh; Lankarani, M. F. (2013). *Ahl al-Bayt in the verse of purification*. Qom: Mehr printing house. [In Persian]
- Kulaini al-Razi, M. (1968). *Al-Kafi* third edition. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyya. [In Arabic]
- Majlisi, M. B. (1994). *Bihar al-Anwar al-Jamaa Ledorar Akhbar al-Aemma al-At'har*. second edition Tehran: Al-Maktaba al-Islamiya. [In Arabic]
- Makarem Shirazi, N. (2002). *The message of the Qur'an*. Sixth edition. Tehran: Dar al-Kutub al-Islami. [In Persian]
- Maliki, Y. (1994). *Al-Astiaab fi Marefa al-As'hab*. Beirut: Dar al-Kutub al-Elmiyya. [In Arabic]
- Mohammadi al-Rai al-Shahri, M. (2000). *Ahl al-Bayt fi Al-Kitab va al-Sunnah*. Qom: Dar al-Hadith Li al-Tiba'at va al-Nashr. [In Arabic]
- Motahari, M. (Unknown). *Governorates and provinces*. Qom: Sadra Publications. [In Persian]
- Mousavi Kermani, S. H. (1971). *Majma al-Anvar*. Qom: Ilmia Printing House. [In Arabic]
- Mousavi, S. B. (1959). *Al-Kowthar fi Ahval Fatima bint al-Nabi al-Azam*. Qom: Hazaq Publishing. [In Arabic]
- Movahhid Abtahi, S. A. (1983). *Ayat al-Tat'hir fi Ahadith al-Fariqain*. Qom: Seyyed al-Shohada Printing House. [In Arabic]
- Murteza Ameli, S. J. (1992). *Ahl al-Bayt fi Ayat al-Tat'hir*. first edition Beirut: Dar Al-Amir Li Thaqafah va al-Ulum. [In Arabic]
- Mutaghi al-Hindi, A. (1976). *Kanz al-Ummal fi Sunan al-Aqwal va al-Af'al*. Beirut: Maktaba al-Torath al-Islami. [In Arabic]
- Qomi, A. (1983). *Tafsir al-Qomi*. Al-Najaf Al-Ashraf: Al-Najaf Al-Ashraf Press. [In Arabic]
- Qomi, A. (1990). *Beit Al-Ahzan* Qom: Dar al-Hikma. [In Arabic]
- Qoshairi Nishaburi, M. (1954). *Sahih Muslim* (M. Abdul Baqi, researcher). first edition Beirut: Dar Ihya al-Torath al-Arabi. [In Arabic]
- Qunduzi al-Hanafi, S. (1995). *Yanabi al-Mavadda Li Zavi Al-Qorba*. Tehran: Dar al-Oswah. [In Arabic]
- Raghib Isfahani. (1983). *Al-Mufradat fi Gharib al-Qur'an*. second edition Qom: Book Publishing. [In Arabic]
- Rahmani Hamdani, A. (1993). *Bahjat Qalb al-Mustafa*. Qom: Al-Mardhiyya Publishing House. [In Arabic]
- Salami, M. (known as al-Tirmidhi). (Unknown). *Sunan al-Tirmidhi* Beirut: Dar Ihya al-Torath al-Arabi. [In Arabic]
- Sheibani, M. (known as ibn al-Jazari). (1994). *Usd al-Qabah*. first edition Beirut: Dar al-Kutub al-Alamiyya. [In Arabic]
- Shushtari, N. (Unknown). *Ihqaq al-Haq*. Qom: Ayatullah Mar'ashi Najafi Library. [In

Arabic]

Suyuti, J. (1983). *Al-Durr Al-Manthur fi al-Tafseer al-Ma'thur*. Qom: School of Ayatullah al-Marashi. [In Arabic]

Tabarani, S. (1983). *Al-Mu'jam Al-Kabir*. second edition Beirut: Dar Ihiya al-Torath al-Arabi. [In Arabic]

Tabari, A. (1994). *Zakha'ir al-Uqba*. first edition Jeddah: Maktaba al-Sahaba. [In Arabic]

Tabari, M. (1984). *Dala'el al-Imamah*. Qom: Al-Razi Publications. [In Arabic]

Tabrisi, F. (1996). *I'lam al-Vara*. first edition Qom: Al-Al-Bait Li Ihya al-Torath. [In Arabic]

----- (1985). *Majma al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an*. Beirut: Dar al-Marefa. [In Arabic]

Turaihi, F. (1987). *Majma al-Bahrain*. Tehran: Maktaba al-Nashr al-Theqafa al-Islamiyyah. [In Arabic]

Tusi, M. (Unknown). *Amali*. Al-Najaf: Al-Mat'baa Al-Haydariyyah. [In Arabic]

Ukbari, M. (known as Sheikh Al-Mufid). (1993). *Al-Ikhtisas*. Fourth edition. Qom: Al-Nashar al-Islami Publishing House. [In Arabic]

Zamakhshari, M. (1993). *Al-Kashaf*. first edition Qom: Maktab al-I'lam al-Islami. [In Arabic]

Fazail wa Manaqib of Hazrat Zahra (pbuh)

Naser Rafiei Mohammadi

Associate Professor of Higher Education Complex of Islamic History, Tradition and Civilization, Al-Mustafi (PBUH) Al-Alamiya Community, Qom, Iran; naser_rafieimohamadi@miu.ac.ir

Received: 13/03/2023

Accepted: 18/06/2023

Introduction

Introduction: Hazrat Zahra (pbuh) is the best lady who has a privileged and unique position in the perspective of the Qur'an and Ahl al-Bayt. She is the only woman whose virtues and human values are fully embodied in her stature. While she has common virtues with the Ali 'Abā, her sincerity in service and steadfastness in the path of truth, as well as her appearance as a woman, have established specific virtues in the existence of that lady, which only comes true in her stature. Although scholars and scientists have always tried to recount the virtues of her and created many works in this field, the lack of coherence in the form of a short and expressive plan was a gap that this article has tried to fill and to retell Hazrat Zahra's common and exclusive virtues in a coherent and systematic manner and according to the structure of the article for the audience and the scientific community.

Materials and methods

In the process of organizing this research, first, data and information (as research materials) were collected from relevant sources and then analyzed using the method of description and analysis. These sources primarily include the Holy Qur'an, in which there are many verses on the dignity of Hazrat Siddiqa Tahira, the traditions of the Sh'n Nozool, and some Shia and Sunni sources of interpretation, such as Ruh Al-Ma'ani, Al-Dur al-Manthur, Al-Kashaf, Al-Tafsir al-Kabir, Al-Burhan, Tafsir al-Qomi, Noor al-Saqalain, etc. revealed these verses. Verses: Tat'hir, Mubahalalah, Mavaddat, Kalamat, Dhavi Al-Qurbā, It'am and Ithar are some of the things that show the virtues of her. After the Qur'an, hadiths are the most important source that shaped the materials of this research. These hadiths have been collected and analyzed from some hadith sources of Fariqain, such as al-Kafi, Ma'ani al-Akhbar, Kashf al-Ghummā, Sahih Muslim, Musnad Ahmad, Sunan Tirmidhi, etc. It should be mentioned that many virtues of Hazrat Zahra have been narrated in tradition works, and in this research, in accordance with its limited capacity, parts of these traditions have been reported from some tradition sources. In addition to traditions, in some cases, the sources of Sirah and history such as Seiar A'lam Al-Nubala and Al-Isti'ab have also been used.

Results and findings

Analyzing and questioning some verses of the Qur'an by using interpretive sources and traditions of Sha'n Nuzūl, as well as examining interpretive and hadith reports about the virtues of Hazrat Zahra Marzieh, led to the following results and findings: a. Some virtues are common between her and other al-Kisa companions, which are: 1. Purification from impurity based on the Taṭhir verse; 2. The criterion of right from void according to the verse of Mubahalalah; 3. The obligation of her devotion as the reward of the mission based on the verse of Mavaddat; 4. She is one of the examples of Dhavi al-Qurabā; 5. She is one of the people for whom Surah "hal atā" was revealed in praise of her infinite sincerity in feeding the poors and the orphan; 6. Based on some verses and sayings of the Messenger of God, she has infallibility; 7. She is the one who was a Muhaddith and the angels had intercourse with her; 8. She had the Velayat al-Takvini and miracles and could make conquests beyond the laws of the natural world; 9. She knew the knowledge of the unseen and narrated all the incidents and events to Ali until the Day of Resurrection. 10. She has a special place in the Day of Resurrection and is the founder of intercession.

b. Some other virtues are specific to the person of Siddiqa Tahira, which are: 1. Hazrat Zahra is Ummu Abi-ha, which represents the peak of the companionship of the Messenger of God with his daughter, and that Prophet sought his peace in her daughter; 2. She was a part of the Prophet's body and

a part of her father's existence; in such a way that her father considered her as the fruit of his heart and soul in his body; 3. She was the most beloved person to the Messenger of God; 4. She was the master of women in this world and the hereafter, and this mastery was a title given to her by her father, who called her "sayyedah nisā' al-alamin and sayyedah nisa ahl al-Jannah"; 5. She is Batūl and whatever hinders the worship of God is far away from her; 6. She is the axis of God's anger and pleasure, and whoever offends her, has incurred God's anger, and whoever pleases her, has earned God's pleasure; 7. She is the only equal in rank to Ali, whose marriage was ordered by God. If Ali didn't exist, there would be no dignity for her. 8. She was the first and foremost defender of the Velayah, and defending the Velayah until her death was something that prevented Ghadir from being forgotten.

Conclusion

The material that was stated is a documentary list of the prayers of Hazrat Zahra, which was organized based on some Qur'anic data, traditions, etc. What follows from these contents is that in this article, with the aim of presenting a coherent plan and a specific framework of the virtues of Hazrat Fatimah in the format and capacity of an article, drops from the infinite sea of human qualities of that lady were listed; Hoping to guide the reader to a specific framework and order. Achieving this goal never means expressing the set of virtues of the supreme lady of Islam; Because the existential and royal personality of Siddiqah Tahira is superior to being written or spoken. Each of the titles mentioned in this article can be the title of a book or an independent article, and the way forward for researchers is still open, and the author of this research expects others to open new horizons in this direction.

Keywords: Faza'il, Manaqib, Fatima Zahra (pbuh), Qur'an, hadiths.